

نقش تقوا در بعد ایجابی استحکام امنیت ملی در چارچوب سنت‌های الهی

سیامک باقری چوکامی^۱

رضا صارمی راد^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و یکم - تابستان ۱۴۰۰: ۳۶-۵

چکیده

تقوا در ادبیات متعارف مطالعات دفاعی و سیاسی، مفهوم مهجوری است. از رنسانس به بعد، عنصر تقوا به‌طور کلی از حوزه سیاست، قدرت، امنیت و امور دفاعی کنار زده شد. اگرچه پس از نقدهای فراوان به گفتمان‌های سخت‌افزاری نظیر رئالیست‌ها به‌عنوان جریان اصلی حوزه قدرت و امنیت، در سه دهه اخیر شاهد ظهور گفتمان‌های نرم هستیم و در این راستا، مفهومی مانند هویت، جایگاه ویژه‌ای در حوزه قدرت و امنیت باز کرد؛ اما همچنان به مقوله‌های معنوی مانند اخلاق و تقوا، آن‌چنان که در گفتمان اسلامی ارزش راهبردی دارد، توجه نشده و تحقیقات در این زمینه هنوز از جایگاه برجسته‌ای برخوردار نیست. از این رو، مقاله حاضر به دنبال پاسخ این است که تقوا چگونه در استحکام و مقاومت‌سازی بُعد ایجابی امنیت ملی تأثیرگذار است؟ روش استدلال در این پژوهش، قیاسی و در چارچوب نظری سنت‌های الهی است و از روش تحلیل ثانویه به‌عنوان مکمل بهره گرفته است. یافته اجمالی تحقیق این است که تقوا به‌مثابه دال مرکزی معنویت و ایمان به مثابه سنت اجتماعی الهی تأثیرگذار بر عناصر سرمایه اجتماعی واحد سیاسی بوده و از این رهگذر با حل مسأله پاسخگویی (کارآمدی) و خواسته‌های شهروندان، بنیاد امنیت ایجابی را مستحکم می‌کند. عکس قضیه نیز صادق است؛ یعنی نتیجه محتوم زوال تقوا، زوال سرمایه اجتماعی است که در پی آن، بنیادهای بُعد ایجابی امنیت ملی فرو خواهد ریخت.

کلید واژه‌ها

تقوا؛ اخلاق؛ معنویت؛ قدرت ملی؛ استحکام ملی.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران S.bagheri6@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران Reza2013.s@gmail.com

مقدمه

«تقوا» یک اصطلاح دینی و اخلاقی است و در منابع اسلامی، بسیار سفارش شده است. تقوا و مشتقات آن، حدود ۲۵۸ مرتبه به صورت فعلی و اسمی در قرآن کریم به کار رفته است. اگر شمارش تقوا به عنوان صفت هم در نظر گرفته شود، ۲۴۳۶ بار در قرآن استعمال شده است. در منابع روایی شیعه و سنی نیز، احادیث بسیاری در این باره وارد شده که حاکی از جایگاه و اهمیت ویژه تقوا در فرهنگ اسلامی است. تقوا، در مکتب اسلام معیار ارزش‌ها و همچنین رکن اساسی ایمان، اخلاق و عمل صالح است. خداند در قرآن می‌فرماید: «انَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَى» یا امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «التَّقْوَى رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ» (محقق خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ۱۹۴) و «لَا يَنْفَعُ الْإِيمَانُ بِغَيْرِ تَقْوَى» (همان، ج ۶، ۴۱۲). اگرچه مقوله تقوا در بخشی از ادبیات موجود تأکید بر بعد فردی دارد و از آن به عنوان کنترل درونی نام می‌برند، اما بُعد جمعی، اجتماعی و سیاسی آن‌را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. البته بر کسی پوشیده نیست که تقوا به عنوان صفت فردی، آثار اجتماعی و سیاسی دارد، با این حال، تقوا برای صفت جمع یا جامعه نیز به کاربرده شده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۳/۸). در هر دو حالت، تقوا یکی از عناصر معنوی اقتدار به‌شمار می‌رود و از این حیث، بر قدرت ملی تأثیرگذار است (همان، ۱۳۸۴/۵/۲۸)، به نحوی که وجود آن می‌تواند منبع مهمی برای قدرت مستحکم باشد و در صورت نبود آن، سست شدن و زوال قدرت و در نتیجه به‌خطرافتادن امنیت را به دنبال داشته باشد.

با توجه به واقعیت بالا، به رابطه تقوا و امنیت ملی، در شرایطی که موضوع استحکام قدرت ملی و امنیت پایدار در کانون توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران قرار گرفته، کمتر توجه شده است. تحقیقاتی که در زمینه امنیت پایدار و مستحکم یا استحکام قدرت درونی انجام شده بیانگر خلأ پژوهشی در زمینه نقش تقوا در قدرت‌افزایی و در نتیجه مستحکم کردن امنیت ملی است. برای نمونه مصطفی سمیعی‌نسب و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی خود به مقاوم‌سازی اقتصاد درون‌زایی اقتدار ملی توجه نموده و به آن اهمیت اساسی داده است. سیدبشیر حسینی (۱۳۹۲) و محمدحسن خانی (۱۳۹۳) نیز به چگونگی تأثیر رسانه بر استحکام ساخت درونی انقلاب اسلامی پرداخته و توجهی به عناصر معنوی اقتدار و امنیت نداشتند. برخی پژوهش‌ها نظیر پوراحمدی و جعفری‌پناه (۱۳۹۱) نیز به نقش اخلاق در قدرت نرم توجه کرده و تنها تأثیر آن‌را بر قدرت نرم بررسی نموده است. با وجود این، پژوهشگران طی سال‌های گذشته، توجه زیادی به نقش تقوا در امنیت ملی نداشتند؛ بنابراین مسأله اصلی این پژوهش، چگونگی نقش‌آفرینی تقوا در استحکام امنیت ایجابی است.



اهمیت و ضرورت این مسأله به چند نکته بر می‌گردد. در الگوی اسلامی، اقتدار و امنیت در درجه اول متکی به عامل معنوی و ارزش معنوی و الهی، ایمان، اعتماد به خدای متعال به تلاش مخلصانه در راه آرمان‌های بلند و متعالی است. (ر.ک. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۸/۱۹). مهمتر اینکه تقوا به مثابه هسته مرکزی اخلاق و معنویت و هویت‌بخش ایمان، شالوده اقتدار ملی و شکل‌دهنده قدرت و امنیت مستحکم است. مقاومت‌سازی قدرت و امنیت بدون توجه به عناصر معنوی که تقوا در رأس آن قرار دارد و تکیه صرف بر عناصر مادی، شکننده و سست‌کننده قدرت و امنیت خواهد بود؛ چراکه «هویت حقیقی جامعه، هویت اخلاقی آن‌هاست، یعنی سازه اصلی برای یک اجتماع، شاکله اخلاقی آن جامعه است که همه‌چیز بر محور آن شکل می‌گیرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۹/۱۱). افزون بر این، تحول ماهوی قدرت و پیچیده و ذواب‌شدن آن در دنیای معاصر، تغییر ماهیت بازدارندگی از حیث سخت‌افزاری به نرم‌افزاری و واردشدن سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در امنیت پایدار، توجه اساسی به عنصر تقوا برای استحکام بعد ایجابی امنیت ملی را بیش از گذشته ضروری کرده است.

فرضیه این تحقیق این است که امنیت مستحکم نوعی ساخت‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که تقوا به‌عنوان سنت اجتماعی الهی، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در تولید آن نقش تعیین‌کننده و کارویژه چسبندگی عناصر داشته، خواسته را در یک واحد سیاسی ایفا کرده و نوعی قدرت ایمانی ایجاد می‌کند که نتیجه آن، مستحکم‌شدن امنیت ایجابی آن واحد می‌باشد. مفروض این پژوهش نیز این کلام پرمغز امام خمینی (ره) است که فرمود «اگر ما یک روز اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم، آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ۷۷).

پیشینه پژوهش

اگرچه تحقیقات قابل توجهی در این رابطه صورت نگرفته است با این حال، مطالعات انجام‌شده، بیشتر بیانگر امعان نظر محققان به تعامل اخلاق و قدرت سیاسی در استحکام ساخت درونی بوده است.

محمدجواد رودگر (۱۳۸۶) در مقاله «اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی» مدعی است که رابطه اخلاق اسلامی و کارآمدی نظام مدیریت سیاسی، یک نظام و مکانیسم منطقی، عقلانی، عاطفی و ارزشی شکل می‌دهد و می‌تواند از نفوذ اندیشه‌ها، افکار بیگانه و افکار لیبرالیستی، سکولاریستی و اومانیستی جلوگیری نماید.

یدالله جوانی (۱۳۸۷) در مقاله «نقش معنویت در تولید قدرت ملی» به فرایند تأثیرگذاری و نقش معنویت در تولید قدرت ملی پرداخته و بر این باور است که عنصر اخلاق یکی از عناصر جدی در سنجش قدرت ملی است و در یک جامعه برخوردار از نظام دینی که در آن ایمان و معنویت حاکم است، عملکرد ملی در حوزه‌های مختلف متأثر از آن می‌باشد.

محمدشفیع شفیعی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «شاخص‌های تحکیم امنیت ملی و ارتقای سیاسی نخبگان سیاسی از دیدگاه مقام معظم رهبری» بصیرت، ولایت‌محوری، امانت‌داری، وفاداری، صداقت، صبر و استقامت، حق‌مداری، شجاعت، اعتماد متقابل، قانون‌مندی، مصلحت‌اندیشی، مردم‌داری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را به‌عنوان شاخص‌های تحکیم‌بخش مورد بررسی قرار داده و اولویت‌بندی نموده‌اند.

روح‌الامین سعیدی و محمدحسن (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «رسانه و نقش آن در استحکام ساخت درونی انقلاب اسلامی: رویکردی گفتمانی» به بررسی چیستی نقش رسانه در امر استحکام‌بخشی به ساخت درونی انقلاب اسلامی پرداخته است. این مقاله از حیث نظری بر شالوده نظریه گفتمان «ارنستو لاکلا» و «شان‌تال موف» و نظریه هژمونی «آنتونیو گرامشی» استوار است و همه مباحث و استدلال‌ها و استنتاج‌ها تا انتها در همین چارچوب نظری خواهد بود. بر مبنای این استدلال، نتیجه می‌گیرد که رابطه‌ای غیرمستقیم و با واسطه میان رسانه و استحکام ساخت درونی انقلاب اسلامی وجود دارد. این مقالات با توجه به روش منتخب این پژوهش، قابل بهره‌برداری و استفاده برای مقاله حاضر می‌باشند. در عین حال، تحقیق پیش رو از این حیث که تعامل اخلاق و قدرت سیاسی کارگزاران در نظریه استحکام درونی را مورد بحث و بررسی خود قرار داده است از تحقیقات انجام‌شده متمایز می‌شوند.

مبانی نظری

بعد ایجابی امنیت ملی

امنیت ملی را در دو بعد سلبی و ایجابی تعریف کرده‌اند. بعد ایجابی امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، متناسب با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد)، تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد)، تولید رضایت می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۲). از این منظر، حوزه تحلیل امنیت ملی در رویکرد ایجابی، محیط ملی، واحد تحلیل آن، مردم و هدف آن، ثبات سیاسی از طریق ایجاد رضایت‌مندی و به‌طور کلی سرمایه اجتماعی است. بر این پایه، تأمین امنیت ملی در بعد



ایجابی، بدون داشتن سرمایه قابل توجه در حوزه اجتماعی میسر نبوده یا بسیار دشوار است؛ بنابراین سرمایه اجتماعی، هسته مرکزی امنیت ایجابی را تشکیل می‌دهد.

محققان در خصوص سرمایه اجتماعی به مؤلفه و شاخص‌های مختلفی اشاره کرده‌اند. دکتر افتخاری برای دوری جستن از ذکر مصادیق متعدد سرمایه اجتماعی، مجموعه عناصر سرمایه اجتماعی را در چهار گروه دسته‌بندی کرد: (۱) اعتماد به‌عنوان عنصر هنجاری، (۲) اعتبار به‌عنوان عنصر ارتباطی، (۳) وفاداری به‌عنوان عنصر اعتقادی و (۴) امید به‌عنوان عنصر آینده‌شناختی سرمایه اجتماعی (همان، ۱۳۸۷: ۳۱۹-۳۱۵). ساروخانی و همکارش مصادیق سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان تقسیم کردند. در سطح خرد به مواردی مانند علاقه به جامعه، کمک‌کردن به دیگران، حضور در فعالیت‌های اجتماعی، فداکاری برای دیگران، میزان صداقت فرد، ایمان و تعلقات مذهبی، احساس مسئولیت و احساس همدردی اشاره شد و در سطح میانی مصادیقی مانند رضایت اجتماعی، تعهد اجتماعی، آرامش اجتماعی، احساس تعلق، تعاون و همیاری اجتماعی و مسئولیت اجتماعی ذکر گردید. در سطح کلان به مواردی مانند مشارکت اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی، وفاق اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عدالت اجتماعی، پنداشت از دولت، نظم اجتماعی، باورهای اجتماعی، برخورد با مخالفان و روابط بین‌نهادی، دین و ایمان اشاره شد (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۵۱-۴۱). برخی از صاحب‌نظران که تمرکز خود را بر عوامل سرمایه اجتماعی در اسلام قرار دادند، دسته‌بندی‌هایی ارائه دادند که برای زیرساخت توضیحی این پژوهش مهم است. یکی از این موارد، مؤلفه‌های سه‌وجهی ساختاری، شناختی و ارتباطی است. مؤلفه ساختاری به بستر بروز سرمایه اجتماعی مربوط می‌شود. مؤلفه شناختی مانند ولایت، اخوت و نبوت، به حامل سرمایه اجتماعی اشاره دارد و مؤلفه ارتباطی مانند خیرخواهی عمومی، ناظر بر ارتباط میان افراد است (کوهکن، ۱۳۸۸: ۱۳۹-۱۲۹). برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی را در ابعاد اعتقادی مانند توحید و باور به یکتاپرستی، اخلاقی مانند فضایل اخلاقی و احکامی مانند نماز جماعت، جمع و حج مورد توجه قرار دادند (علینی، ۱۳۸۹: ۲۹۹-۲۹۷). تقوای الهی، عدالت و انصاف، پرهیز از غرور و خودپسندی، تواضع و حلم، گشاده‌رویی و خوش‌رویی، پرهیز از دنیاطلبی و مقابله با اقدامات خلاف ارزش اقتصادی، عناصر دینی هستند که در کاشت و انباشت سرمایه اجتماعی اشاره شده‌اند (اعتصامی و فاضلی، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۱۸).

مصادیقی که ساروخانی در مورد سرمایه اجتماعی اشاره کرد، قابلیت تقسیم در چهار دسته اعتقادی، هنجاری، ارتباطی و آینده‌شناختی دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که امنیت ایجابی، مستلزم تحقق یا تأمین مصادیق، ذیل چهار عنصر موصوف می‌باشد.



شکل ۱. ابعاد امنیت ایجابی

تقوا

تقوا در لغت به محافظت نفس در برابر آنچه که بیم می‌رود به او زیان برساند، معنا شده است. گاهی تقوا به خوف هم معنا می‌شود. چون خوف مقدمه تقواست، این امر سبب شده که گاهی خوف، مجازاً به معنای تقوا استعمال شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹:۱۶۶). از مهم‌ترین مفاهیم خویشاوند و هم‌ردیف با تقوا در قرآن، ایمان است. این هم‌ردیفی در بسیاری از آیات مانند ۱۰۳ بقره، ۹۶ اعراف و ۳۶ محمد، نشان‌دهنده آن است که تقوا از لوازم ایمان است (ایزوتسو، ۱۳۷۸:۳۹۸ و ۳۹۶). در برخی از آیات مانند ۲۱۲ سوره بقره، ایمان و تقوا مترادف یکدیگر نیز به کار رفته‌اند. افزون بر این مفاهیم زیادی مانند برّ، صبر، عدالت، وفای به عهد و نیکی در کنار تقوا آمده‌اند. این گزاره‌ها نشان می‌دهند که ارزش متعالی اخلاق، ایمان و عمل صالح در وجود تقوا است. از این نظر با نگاه به فرهنگ قرآن کریم، متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸:۱۳۲). با این وصف، درخصوص تقوا دو رویکرد کلان وجود دارد؛ رویکردی که تقوا را امری شخصی و رابطه فرد با خدایش تعریف می‌کند و در رویکرد دوم علاوه بر پذیرش این معنا، به تقوای عمومی و جمعی نیز معتقد است (ر.ک. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). در این رویکرد بین تقوای فردی و جمعی رابطه دوسویه‌ای وجود دارد. در هر دو صورت تقوا در آموزه‌های اصیل اسلامی عامل قدرت،



مولد و مقوم اراده و عزم فردی و جمعی است از این رو، تقوا در زمره حکمت عملی است. حکمت عملی نیز مبنای علوم زندگی است. به قول قدماء، مبنای علم اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مُدُن است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۳، ۷۱۴). اگر دین، یک ساختار، روش و سلسله قوانین نظام‌مند برای سامان‌دهی سبک زندگی و اداره جامعه است، مقوله تقوا یک رکن محوری در آن به‌شمار می‌آید و به همین جهت با همه عناصر یک نظام سیاسی متناسب با ماهیت آن‌ها ارتباط ارگانیک دارد (ر.ک. پناهیان، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۹) در هر صورت اثرگذاری تقوا در فرهنگ قرآنی و روایی علاوه بر حیات اخروی، دارای آثار تعیین‌کننده‌ای در حیات دنیوی انسان از جمله زیست اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی دارد؛ زیرا شاخص‌های تقوا در همه ابعاد زیست دنیوی قابل احصا است. به بیان دیگر برمبنای آموزه‌های اسلامی تقوا در همه زمینه‌هایی که میان دولت‌ها و ملت‌ها در جریان است، حضور نام دارد و بر این پایه در کنار تقوای فردی می‌توان از تقوای اجتماعی، تقوای سیاسی و تقوای اقتصادی نیز یاد کرد. «تقوا برای همه لازم است و برای کسانی که متصدی امور کشور هستند، لازمتر است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ۱۲۲). با وجود این، وفق آموزه‌های اسلامی، تقوا در دو سطح فردی و جمعی مطرح است.

۱) تقوای فردی

این سطح از تقوا به رابطه فرد با خدایش اشاره دارد، چنانکه رهبر معظم انقلاب می‌فرماید «تقوای فردی یعنی هر کس بین خود و خدا سعی کند از جاده صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد». تقوای فرد به امور شخصی انسان برمی‌گردد. در واقع نمود تقوا در وهله اول در شخصیت و شاکله رفتار فردی او مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه وقتی کارگزاران قدرت، متخلق به تقوا شوند، نمود ظاهری آن صداقت و راستگویی و عدم تعارض گفتار و کردار آن‌ها است. تقوای فردی بستر و زمینه‌ساز تقوای جمعی و سیاسی است چنانکه رهبر فرزانه انقلاب، نماینده بدون تقوا را اساساً شایسته پوشیدن این خلعت نمی‌داند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۱۲/۱). در واقع در اندیشه مقام معظم رهبری «تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل‌تر است، خیلی مهم‌تر است، خیلی اثرگذارتر است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴). در اندیشه امام خمینی (ره) نیز «تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ۳۸۸).

۲) تقوای جمعی

در بحث مفهومی روشن شد که تقوا علاوه بر سطح فردی، سطوح جمعی نیز دارد. با این حال، تقوا به معنای امری نفسانی و فردی، آثار عینی فردی و اجتماعی زیادی دارد و جزء عناصر ناظر بر ارزش‌های اجتماعی محسوب می‌شود (شرف‌الدین، ۱۳۹۵: ۱۱۴). منظور از تقوا در سطح جمعی، اطاعت از اوامر الهی یا پرهیز از نواهی الهی در حوزه زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی است.

یک) تقوای اجتماعی: تقوای اجتماعی صفاتی است که در حوزه اجتماع تجلی می‌یابد و افراد متصف به آن، مکلف به رعایت آن هستند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید «تقوای اجتماعی یعنی برخورد با مردم در محیط‌های مختلف چه محیط کسب، چه محیط معاشرت، چه محیط خانواده، چه محیط مدرسه و دانشگاه، چه محیط اداری - همراه با انصاف و خدا ترسی و امانت و صداقت باشد». در این بعد، صفات و فضایل اجتماعی مانند انصاف و خدمت‌گذاری، مسئولیت‌پذیری و تعهدمندی بروز و ظهور می‌کند بنابراین، تقوای اجتماعی همان اخلاق فردی است که به حیطه اجتماع تسری یافته است. کلیدواژه‌هایی که در اخلاق اجتماعی برای بیان اخلاق کارگزار استفاده می‌شود دو چیز است؛ کسب رضایت خدا و خدمتگزاری عاشقانه مردم که در طول یکدیگر هستند، بدین معنا که کارگزار برای کسب رضای الهی باید رضایت مردم را جلب کند. این امر از طرُق‌ی چون حل مشکلات مردم و تسهیل شرایط زندگی اسلامی مردم محقق می‌شود. همچنین بایستی مشکلات و چالش‌هایی که با آنان درگیر است را به‌طور صادقانه با مردم در میان بگذارد و در جایی که نیاز است، در مقابل مردم پاسخگو باشد (خان محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵).

دو) تقوای سیاسی: تقوای سیاسی مجموعه بایدها و نبایدهای معطوف به حوزه سیاست‌ورزی است. تقوای سیاسی یعنی آمادگی کامل سیاست‌مدار برای کسب معلومات، تجربیات و بهره‌برداری از استعدادها موجود برای رساندن جامعه به کمال مطلوب با رعایت تقوای الهی در همه مراحل فکری و اجرایی» (میرتاج‌الدینی، ۱۳۷۶: ۳۸). در اندیشه مقام معظم رهبری تقوای سیاسی این است که انسان در میدان سیاست، صادقانه، دردمندانه و از روی دلسوزی عمل کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۵/۵). قانون‌گرایی در انتخابات، وفاداری به قانون و احترام به رأی مردم، از مسائل مهم و شاخصه‌های اصلی تقوا محسوب می‌شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۷/۲۰). از دیگر شاخص‌های تقوای سیاسی مسئولیت‌پذیر بودن، پذیرش مسئولیت نقصان و تلاش برای جبران آن، عدم تهمت به رقیب، عدم کسب قدرت به هر قیمت، پرهیز از حزب‌گرایی کورکورانه و ... می‌باشند. رعایت حداکثری مصلحت دین و رعایت حال مردم نیز از اصول



مهم در تقوای سیاسی است. با این حال، تقوای سیاسی که معطوف به کارگزاران و هر فرد یا جمع سیاست‌ورز در سپهر سیاسی است، می‌تواند با تقویت تقوا در این افراد چه قبل از ورود به سیاست‌ورزی چه بعد از آن و چه در قدرت و بیرون قدرت، از استبدادورزی، ستم‌گری، جاه‌طلبی، شهرت‌طلبی، تکبرورزی، غرور، سوءظن، خودشیفتگی، خشم و عصبانیت نابه‌جا، دروغ‌گویی، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری، تحقیر و سلطه بر مردم، خلف وعده، مال‌اندوزی، نفاق و دورویی و ... باز دارد (ر.ک. میرتاج‌الدینی، ۱۳۷۶: ۲۵۹-۲۴۵). علامه جعفری باور دارد که آمادگی زمامدار برای توضیح فعالیت‌ها، شکوفایی رحمت، محبت، لطف، حق‌گرایی و عدل پروری زمامدار درباره مردم جامعه و تکاپوی حاکم بر سعادت جامعه نشان از تقوای سیاسی او دارد (جعفری تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۴۲). یکی دیگر از شاخص‌های تقوای سیاسی، قضاوت و داوری واقعی نسبت به دوست و حتی مخالف و دشمن است؛ «اگر قضاوت شما درباره آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده تقواست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴). این بیان، ریشه قرآنی دارد؛ آنجا که آمده است «یا ایها الذین آمنوا کونوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در راه خدا به پای خیزید و به عدل و انصاف گواهی دهید و مبادا دشمنی با قومی شما را وادار کند که عدالت پیشه نکنید. عدالت و دادگری پیشه کنید که به تقوا نزدیکتر است» (مائده: ۸). برخی محققان شاخص‌ها یا مصادیق تقوای سیاسی را به رعایت تقوا در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان در عرصه سیاست داخلی و اداره کشور و سیاست خارجی و روابط با سایر کشورها، ترجیح منافع ملی و عمومی بر منافع حزبی و گروهی، عمل به وعده‌ها و مسئولیت‌ها، به‌کار بستن تمام توان و ظرفیت برای اصلاح امور، امانت‌دانستن مسئولیت در رده‌های مختلف، دقت در هزینه بیت‌المال و نظارت لازم بر آن، رعایت عدل و انصاف در اظهارنظرها، نقد و ارزیابی‌ها دانستند. در بررسی شاخص‌های تقوای سیاسی، گروهی از پژوهشگران، تقوای سیاسی امام علی(ع) را در ۸ بند ذکر کرده‌اند: ۱. محترم‌شمردن حق کرامت، حیات و آزادی، ۲. امانت‌دانستن مدیریت و حکومت، ۳. روشن‌بینی و بصیرت در زمامداری، ۴. رهایی از زیاده‌طلبی و لذت‌خواهی، ۵. نجات از تکبر و قدرت‌طلبی، ۶. ارتباط صمیمانه زمامدار با مردم بر پایه رحمت و لطف و محبت، ۷. بروز عدالت در جامعه و ۸. ایجاد تعهد و تخصص در مدیر (خرزاعی، فرزانه‌پور و پورشافعی ۱۳۹۴: ۶-۱).

سوم) تقوای اقتصادی: تقوای اقتصادی یعنی داشتن ورع در مسائل اقتصادی و مهارت مطامع خود و گروه خود در نظام اقتصادی به‌منظور حفظ بیت‌المال و حقوق مردم. به بیان

دیگر تقوا یا اخلاقیات اقتصادی مجموعه‌ای از ضوابط و معیارهاست که کارگزاران اقتصادی با رعایت آن ضمن کسب منفعت شخصی به منافع جامعه آسیب نمی‌رسانند. نتیجه این خواهد بود که منافع اجتماعی حداکثر خواهد شد. رعایت توصیه‌های اخلاقی اسلام در زمینه اقتصاد، باعث شکوفایی و رشد مطلوب اقتصادی همراه با شکوفایی ارزش‌های انسانی خواهد بود (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۴). شاخص‌های سلبی تقوای اقتصادی عبارتند از «غصب‌کردن، حرام‌خوری، دست‌اندازی به مال دیگران - بخصوص به اموال عمومی - از دستاورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده‌کردن و احیاناً زنگی‌هایی که علی‌الظاهر در چارچوب قانون هم می‌گنجد، اما خود انسان می‌می‌داند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است، این‌ها خلاف تقوای اقتصادی است (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۵/۵). از شاخص‌ها و مصادیق ایجابی تقوای اقتصادی می‌توان به محور قراردادن تقوا در برنامه‌ریزی اقتصادی، دغدغه لازم نسبت به هزینه منابع، نظارت مستمر در امور مالی، اولویت‌دادن به عدالت اقتصادی و رفع محرومیت و حمایت ویژه از اقشار آسیب‌پذیر، توجه به عدالت مالیاتی و هزینه دقیق آن در موارد لازم، بستن گلوگاه‌های فساد و مقابله و برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی، پرهیز از اشرافیت، مراقبت از سوءاستفاده و رانت‌خواری اطرافیان و ... اشاره نمود. اگر تقوای اقتصادی وجود نداشته باشد، اقتصاد نفوذپذیر و سست‌بنیاد خواهد بود و از اقتصاد مقاوم فاصله خواهد گرفت. از این نظر تقوای اقتصادی زیربنای اقتصادی مقاومتی است چنان‌که رهبر انقلاب فرمود: «در بخش اقتصادی تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۴/۲).

چهارم) تقوا در بعد نظامی: اگرچه ابزار و فناوری‌های دشمنی‌ها و تهدیدات در دوره‌های مختلف گسترده‌تر و متنوع‌تر شده است؛ اما آنچه تغییر نیافته، ضرورت حفظ آمادگی انسان‌ها با سلاح ایمان و زره تقوا است. براساس آموزه‌های الهی، ترکیب تقوا و سلاح و رزم فیزیکی، قدرت نافذ و شکست‌ناپذیر را تولید می‌کنند. «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غُلَظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ آنان باید در شما شدت و درشتی بیابند و بدانید که خدا با تقوای پیشگان است» (توبه؛ ۱۲۳). در این منظومه فکری نه می‌توان از سلاح نظامی غافل بود و نه از سلاح ایمان و تقوا غفلت کرد از این رو، در بهره‌گیری از رزمندگان، باید به اخلاص، تقوا و کارایی آن‌ها توجه داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ۴۳۴) چنان‌که در نبرد بدر، شمار اندک مسلمانان، بر شمار بسیار کافران غلبه یافت و به تصریح قرآن، شرکت نیروهای ناکارآمد و سست‌بنیاد، نه‌تنها سودی برای مسلمانان نخواهد داشت، بلکه سرچشمه فساد و فتنه در سپاه حق نیز خواهد بود (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷).

با وجودی که بین تقوای جمعی و تقوای فردی رابطه متقابلی وجود دارد اما نمی‌توان



اولویت تقوای فردی بر تقوای جمعی را نادیده گرفت. تقوای جمعی بدون تقوای فردی حاصل نمی‌شود اما تقوای جمعی وقتی شکل گیرد می‌تواند مقوم تقوای فردی باشد. به همین جهت امام خمینی(ره) معتقد است تا زمانی که انسان‌ها اصلاح نشوند، حکومت هم اصلاح نخواهد شد (ر.ک. موسوی خمینی(ره)، ۱۳۷۸، ج. ۱۴، ۱۶). نکته کلیدی دیگر اینکه دال مرکزی تقوا، در همه سطوح فوق، عبودیت الهی، خدا باوری و جلب رضایت الهی در همه حال است.

سنت اجتماعی الهی به مثابه چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری همچون دریچه است که محقق از آن منظر به پدیده مورد بررسی نگاه و براساس آن داوری می‌کند و توجیه تئوریک متغیرهای تحقیق آن محسوب می‌شود. جوهره چارچوب نظری، گزاره‌ها یا قضایای کلی است که مستخرج از یک نظریه مشخص و گاه مستنبط از مجموعه‌ای از نظریه‌های به هم مرتبط است که یک گفتمان علمی^۱ را می‌سازد و گاهی این گزاره‌های کلی و قابل اعتبار، می‌توانند آموزه‌ها یا سنت‌های فردی و اجتماعی الهی باشند. سنت‌های الهی همان قوانین تخلف‌ناپذیر الهی است که در کل خلقت جاری است. درواقع باور به سنت‌های الهی بر این نگرش اسلامی مبتنی است که ربوبیت خداوند در تمامی شئون هستی گسترده است و هیچ تغییر و تحولی در عالم جز با اذن الهی و ربوبیت تکوینی او به وجود نمی‌آید(حدید؛ ۲۲). در این راستا، انسان و زیست جمعی او نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ زیرا بر پایه آموزه‌های اسلامی، پدیده‌های انسانی، رابطه‌ای تکوینی با جهان عالم هستی دارند و تعامل آن دو، منشأ آثار وجودی خواهد بود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۵) بنابراین، سنت‌های الهی ویژگی‌های الهی، تکوینی، هماهنگی تکوینی و تشریحی، عمومیت داشتن از حیث زمانی و مکانی و افراد و جوامع، ثبات و تغییرناپذیری، ابتناء بر اصل علیت، هماهنگی با اختیار انسان، داشتن موعد مقرر، حاکمیت برخی سنت‌ها بر برخی دیگر، داشتن توالی و نتایج سنت‌ها دارند (ر.ک. آقاجانی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴).

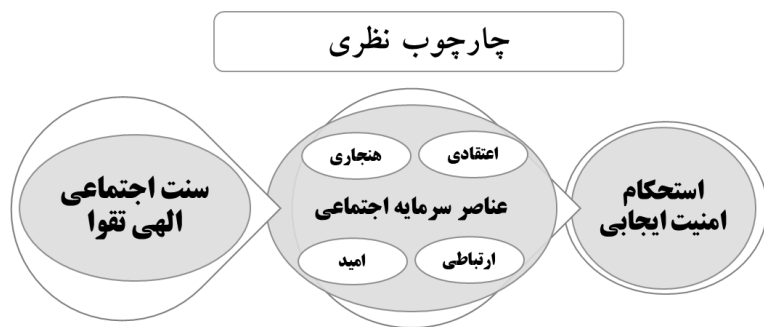
نکته مهم دیگر اینکه سنت‌های اجتماعی در قرآن و روایات، ضمن اینکه بیانگر قانونمندی پدیده اجتماعی هستند، مشعر این واقعیت است که این قوانین قابل کشف و تبیین است. در بررسی‌های انجام‌شده برای راه کشف سنت‌های الهی در قرآن کریم سه راه پیشنهاد شده است: یک) از راه الفاظ خاصی مثل سنت و کلمه الله یعنی کشف از طریق موضوعات، دو) از راه احکام عام مانند اجل، هلاکت، برکت، امنیت، فقر و فلاکت، تغییر و

سه) از طریق مصادیق خاص که دلالت دعوت خداوند بر عبرت‌گیری از حوادث و سرگذشت امت‌های پیشین دارد. محققان اسلامی معتقدند بیان قرآن و روایات در خصوص سنت‌های اجتماعی الهی گاه در چهره قضایای شرعی، گاه در چهره قضایای قطعی و گاهی در چهره قضایای طبیعی و گرایش‌های فطری مطرح شده است. سنت‌هایی که به صورت قضیه شرطیه بیان شده‌اند منوط به اراده انسان است و بر لزوم پیوند شرط و جزاء دلالت دارد. آیات زیادی از قرآن مانند «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» مربوط به این دسته از سنت‌ها است. سنت‌هایی که در چهره قضایای قطعی متجلی می‌شوند، خبر از وقوع قطعی پدیده‌ای می‌دهند مانند سنت تفاوت در افراد یا وهن جامعه‌ای که به غیر خدا تمسک کند (عنکبوت؛ ۴۱). سنتی قطعی است که مشروط به شرطی نیست. سنت‌هایی که در چهره قضایای طبیعی و کشش‌ها و گرایش‌های فطری مانند گرایش به دین یا کشش جاذبه زناشویی ظاهر می‌شوند، به تعبیر شهید صدر این دسته از سنت‌ها قابل انعطاف بوده و می‌توان با آن برای مدت کوتاهی به مخالفت برخاست اما این مخالفت دوام ندارد. با توجه به نکات بالا و از منظر دیگر، سنت‌های الهی نسبت به امت‌ها یا جوامع ممکن است مطلق و عام براساس حکمت الهی و با هدف تأمین مصالح انسان‌ها و بدون شرط اراده انسان باشد مانند سنت تقابل حق و باطل، سنت تداول قدرت در جامعه و سنت قضا و قدر. یا سنت‌هایی که مشروط به اراده و گزینش انسان است اعم از اینکه در جهت اعتلاء جوامع یا سبب سقوط و انحطاط آن‌ها باشد؛ مانند سنت پیروزی حق بر باطل یا سنت غلبه حزب‌الله، سنت امداد خاص به مؤمن، سنت نجات‌بخشی خدا، سنت انسجام و اخوت در سایه ایمان، سنت امنیت، سنت املاء، سنت مکر، سنت استیصال و ... (همان، ۱۳۹۳: ۵۷).

یکی از این سنت‌های الهی، تقوا است. بر این پایه، تقوا تنها یک مفهوم ارزشی ذهنی و نفسانی نیست، بلکه مانند علم ریاضیات و جاذبه زمین مبتنی بر واقعیت‌های علی و معلولی است (پناهیان، ۱۳۹۸: ۲۶). در بررسی منابع دینی و مفسران قرآن و سنت در زمینه تقوا اعم از سطح فردی و جمعی، با قضا و قواعد کلی روبه‌رو می‌شویم که به مثابه سنت‌های اجتماعی الهی هستند و بر همه اجزای نظام سیاسی از جمله استحکام قدرت و امنیت ملی تأثیرگذار می‌باشد. به‌عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید ایمان و تقوای امت‌ها باعث ایجاد آبادانی جوامع و نزول برکات در میان آن‌ها خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۶، ۲۶۶). در تفسیر المیزان نیز تصریح دارد که مطابق سوره آیه ۹۶ سورا مبارکه اعراف، افتتاح ابواب برکات و بازشدن درهای الهی، مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌هاست، نه ایمان یک نفر یا دو نفر از آن‌ها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۰۱) با این وصف، در این تحقیق، گزاره‌ها و شاخص‌های



مُنْبَعث از آموزه‌های قرآنی و روایی در خصوص تقوا به‌عنوان مبنا یا مقیاسی برای اعتبار بخشی رابطه متغیر مستقل و وابسته قرار گرفته است. با توجه به دو محور اصلی مبانی نظری پژوهش یعنی سرمایه اجتماعی به‌عنوان هسته مرکزی امنیت ایجابی و تقوا به‌عنوان یکی از سنت‌های الهی به الگوی زیر رهنمون می‌شویم.



شکل ۲. مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی

در تحقیقات کیفی محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و ... که جمله‌گی به کمک تفکر و تعقل و منطق صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه و تحلیل نموده، با ذهن مکاشفه‌ای خود نتیجه‌گیری کند.

یکی از مبانی و معیارهایی که محقق در تحقیقات کیفی و نیز کمی می‌تواند از آن‌ها استفاده کند، قضایای کلی علمی و نیز معیارهای الهی هستند. محقق می‌تواند داده و اطلاعات کسب‌شده را با این قضایا و معیارها مقایسه و از آن‌ها نتیجه‌گیری کند؛ زیرا قضایای کلی و معیارهای الهی، قوانین مسلم اجتماعی و انسانی هستند که روابط بین متغیرهای اجتماعی و انسانی را منعکس می‌نمایند؛ بنابراین محقق به‌عنوان یک مبناي مقایسه در تحلیل کیفی می‌تواند از آن‌ها استفاده و نتیجه‌گیری کند. مثلاً اگر یک محقق تاریخ، درباره علل سقوط یک دولت و حکومت مطالعه می‌کند، می‌تواند مدارک، اسناد، شواهد و نشانه‌هایی را که در مرحله گردآوری اطلاعات جمع‌آوری نموده با قضایای کلی علمی و معیارهای الهی مقایسه و بدین ترتیب آن‌ها را ارزیابی کند. طبعاً، چنانچه شواهدی دال بر ظلم و ستم یا سستی و کاهلی و خوش‌گذرانی در رفتار و کردار دولت حاکم یافت،

می‌تواند آن‌را علت بروز برخی از پدیده‌ها بداند، برای مثال بین متغیر مستقل و ظلم و ستم با متغیر تابع سقوط حکومت رابطه برقرار سازد (ر.ک. حافظ‌نیا، ۱۳۸۶). از این رو، روش استدلال در این پژوهش، استدلال قیاسی است که در چارچوب نظری و براساس آموزه‌های قرآنی و در چارچوب سنت‌های اجتماعی الهی تقوا حاصل شده است. به غیر از استفاده از روش موصوف، در این تحقیق تلاش شد از روش تحلیل ثانوی نیز بهره گرفته شود. گلاس که از مبدعان روش فراتحلیل است سه نوع تحلیل را از هم جدا می‌کند «تحلیل اولیه که تحلیل اصلی داده‌ها در تحقیق است، تحلیل ثانویه که تحلیل مجدد داده‌هاست با هدف پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق با تکنیک‌های آماری بهتر یا پاسخ به سؤالات جدید با داده قدیمی و و تحلیل ثالث یا فراتحلیل که من آن‌را به‌عنوان تحلیل آماری یک مجموعه بزرگ از نتایج تحلیل‌های مطالعات منفرد با هدف ترکیب یافته‌ها به‌کار می‌برم» (گلاس، ۱۹۷۶: ۳). از این رو، در این روش تلاش بر این است تا پاسخ به سؤال اصلی از طریق داده‌های قدیمی دنبال شود.

یافته‌های تحقیق

وفق ادبیات نظری پژوهش، سرمایه اجتماعی جامعه دال مرکزی امنیت ایجابی و اطمینان‌بخش است؛ چراکه سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از عناصر و مؤلفه‌هایی است که در حکم منابع نرم قدرت یک نظام سیاسی می‌باشد و در نسبت ملت و حاکمیت معنا پیدا می‌کند. تقوا نیز در آموزه‌های دینی از سنت‌های الهی به‌شمار می‌آید و رابطه وثیقی (مستقیم و غیرمستقیم) با هسته مرکزی امنیت ایجابی دارد. بررسی محتوایی قرآن کریم و بیانات رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد که تقوا به مثابه عنصر راهبردی، امنیت‌ساز است و نبود آن نیز امنیت‌سوز می‌باشد. براساس یافته‌های این پژوهش، تقوا از طریق تأثیرگذاری بر ابعاد سرمایه اجتماعی، هم در تولید و هم در استحکام بخشی امنیت ایجابی نقش‌آفرین است و ضمن اینکه ضریب ایدئولوژیک جامعه را افزایش می‌دهد، مانع از بروز شکاف «داشته - خواسته» در یک جامعه سیاسی می‌شود.

نقش تقوا بر عنصر هنجاری و ارزشی امنیت ایجابی

از کارکردهای تقوا در حوزه عمل اجتماعی حفظ هنجارهای اجتماعی است. اعتماد مهم‌ترین عنصر هنجاری سرمایه اجتماعی دانسته شد. اعتماد در مباحث کلاسیک سرمایه اجتماعی تنها محدود به اعتماد بین فردی، جمعی و بین فرد یا گروه و نظام سیاسی است، درحالی که افزون بر این، در آموزه‌های اسلامی، اعتماد به وعده‌های الهی وجود دارد. تأثیرگذاری این شاخص از اعتماد بر بعد ایجابی امنیت ملی فوق‌العاده است. به همین



جهت رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «بنده اصرار دارم ما روی این اعتماد به وعده‌های الهی [کوتاهی نکنیم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۶/۶) یا فرمودند: «وعده خدای متعال، وعده صادق است. ما چون وارد می‌دانیم، داخل عرصه مبارزه هستیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰). در این میان تقوا یکی از عوامل بسیار راهبردی در شکل‌گیری اعتماد است به‌گونه‌ای که در آموزه‌های اسلامی در زمره سنت‌های الهی محسوب می‌شود. در بیانات رهبر معظم انقلاب تقوا با تأثیرگذاری مستقیم یا از طریق متغیرهای میانجی بر اعتماد و در نتیجه بر استحکام بخشی امنیت ملی رابطه برقرار می‌کند. اعتماد بین ملت و حاکمیت در شرایطی حاصل می‌شود که جامعه احساس کند که حاکمیت ویژگی‌های صداقت، حس تعهد و مسئولیت‌پذیری، خدمت و فداکاری برای مردم، امانت‌داری، پاک‌دستی و ساده‌زیستی، مردمی‌بودن و عادلانه عمل کردن را دارد. به باور ایشان اگر ویژگی‌ها از ذهن و عمل مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود ... ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۹/۲۴). این ایده و نظریه رهبری به‌صورت واضح نشان می‌دهد که فقدان موارد مذکور، سرمایه نظام را از بین برده و پایه‌ها و ستون امنیت ملی را سست خواهد کرد. به همین دلیل یکی از راه‌کارهای ایشان این است که «هرچه مسئولیت ما بالاتر باشد، تقوای بیشتری لازم داریم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹). در اندیشه رهبری فساد، ضدسرمایه اجتماعی و عامل زوال امنیت نرم یک نظام است؛ چراکه بروز فساد که ناشی از فقدان تقوای فردی در ابعاد مختلف است، همه عناصر هنجاری سرمایه اجتماعی را می‌زداید. «اگر مدیری خدای نخواستہ فاسد شد، دیگر نمی‌تواند به مردم خدمت کند و برای آن‌ها مفید باشد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۲/۱/۱). یا در بیان دیگری فرمود: «وجود و رواج مفساد اقتصادی یکی از بزرگترین خطرهائش این است که عناصر خوب دستگاه‌ها را متزلزل می‌می‌کند، زیر پای آن‌ها را سست می‌می‌کند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۵/۴). در نگاه محققان سرمایه اجتماعی از جمله «کلمن» نیز این نظریه مورد تأیید است که بی‌اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از فرد و گروه می‌می‌گیرد و او را به موجودی بی‌تحرك و خنثی تبدیل می‌می‌کند (ستوده، ۱۳۸۱: ۱۵). این اثرگذاری در واقع همان سنت «هلاکت» از جمله سنت‌های اجتماعی الهی است که اگر تقوا از جامعه‌ای رخت بربست و فساد حاکم شود، هلاکت آن جامعه قطعی خواهد بود. به‌عنوان نمونه «وَأَذَا أُرْدُنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمْرُنَا مَثْرَفِيهَا فَفْسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا و ما چون اهل دیاری را بخواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم پیشوایان و منعمان آن شهر را امر کنیم راه فسق و تبهکاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند و آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت



آنگاه همه را به جرم بدکاری هلاک می‌سازیم. (اسراء؛ ۱۶)» عکس این نیز صادق است؛ یعنی وجود تقوا، هنجارهای مثبت را در جامعه و واحدهای سیاسی ایجاد می‌کند. به‌طور نمونه «اگر در نظامی، مسئولان نظام با تقوا باشند، فساد در آن نظام راه پیدا نمی‌کند. اگر در یک جبهه جنگ، مسئولان و فرماندهان با تقوا باشند موجب می‌شود که هیچ خسارتی وارد نشود.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۶/۲۶). زمانی که فساد در جامعه و نظام سیاسی راه پیدا نکند و در تقوا و عدالت بر تصمیمات و رفتارها حاکم باشد، بر کارآمدی نظام تأثیر خواهد گذاشت. چنانکه رهبر معظم انقلاب فرمود: «حرکت هر چه بیشتر مسئولان به سمت عدالت و تقوا و پارسایی، رمز افزایش کارآمدی نظام است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۸/۶). همچنین یکی از تجلیات سنت الهی تقوا در اعتماد اجتماعی است. این حقیقت را می‌توان در روایات ائمه معصومین علیهم السلام مشاهده کرد؛ آنجاکه امام علی علیه السلام در خصوص راستگویی به‌عنوان عنصر تقوای پیشگی فرمودند: «انسان راستگو به‌واسطه راستگویی، سه چیز را به دست می‌آورد: ۱) حسن اعتماد و اطمینان دیگران به او، ۲) جلب محبت دیگران به سمت او و ۳) هیبت او دل‌های دیگران را تسخیر می‌کند» (محقق خوانساری، همان: ۲۱۸). در همین راستا، رهبری معظم انقلاب هم تصریح دارد: «آنجایی که انسان برجستگی‌های انسانی و اخلاقی در یک جمعیتی می‌بیند، بیشتر مایل است آن‌ها را تکریم کند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۲/۱۸).

افزون بر موارد فوق، روحیه استقامت و پایداری که سرمایه اجتماعی یک ملت محسوب می‌شود نیز متأثر از تقوا است. در اصطلاح قرآنی و فرهنگ آن، مقاومت به‌معنای ایستادگی یا حالتی گفته می‌شود که شخص برای انجام کارها و تحقق اموری اقداماتی را انجام می‌دهد که شامل ایجاد مقتضا و از میان‌بردن مانع و ایستادگی در برابر فشارهاست. بار ارزشی این مفهوم کاملاً قابل درک است؛ زیرا یک واکنش غیرارادی در برابر تهاجم است (اسدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۸۷). این عنصر ارزشی و هنجاری سرمایه اجتماعی، مولود سنت الهی تقوا است. حال براساس سنت اجتماعی قرآن، تقوا مایه مقاومت و عزم و اراده است و رعایت آن نیروی عزم و اراده و ایستادگی و مقاومت را افزایش می‌دهد. برعکس، بی‌تقوایی و گناه، عزم و اراده و نیروی ایستادگی و مقاومت را تضعیف می‌کند؛ در نتیجه شکست را در پی دارد. البته این نکته قابل توضیح است که «استقامت» با مفهوم «صبر» متفاوت است. صبر وجه دیگر سنت الهی در راستای رعایت تقوا است. «صبر» به‌معنای بردباری و شکیبایی در برابر ناملایمات است اما «استقامت» به معنای پایداری و استواری در مسیر و راه حق است؛ لذا استقامت با حرکت در مسیر و سلوک در راه حق معنا می‌یابد از این رو، شناخت مسیر حق، حرکت در مسیر آن و پایداری بر آن قدرت‌زا است. نمونه قرآنی این



سنت قطعی الهی، آنجا است که خداوند متعال فرمود: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا: و بی تردید اگر بر راه (راست اعتقاد و عمل) استقامت ورزند حتماً آن‌ها را از آب فراوان (و برکات مادی و معنوی) سیراب سازیم» (جن؛ ۱۶) یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: به یقین کسانی که (از عمق قلب) گفتند پروردگار ما تنها خداست، سپس استقامت داشتند، نه ترسی بر آن‌هاست و نه اندوهی خواهند داشت» (احقاف؛ ۱۳). استقامت و پایداری در مسیر حرکت الهی، برحسب سنت اجتماعی الهی عاملی است که معادلات قدرت و تهدید را برهم می‌زند، چراکه حصن یا دژی ایجاد می‌کند که از ناحیه آن قدرت ایمانی، نفوذناپذیر می‌شود. چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمودند: «اغْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنْ التَّقْوَى دَارٌ حِصْنٌ عَزِيزٌ؛ بدانید ای بندگان خدا، تقوا دژی مستحکم و غیرقابل نفوذ است» (دستی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۶). اگر به جای تقوا، بی‌تقوایی جایگزین شود، سنت دیگری بر آن حاکم خواهد شد، و الْفُجُورُ دَارٌ حِصْنٌ ذَلِيلٌ، لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَ لَا يُحِرُّ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ؛ و فجور و بی‌تقوایی، حصاری سُست و بی‌دفاع که ساکنانش را (از خطرها) باز نمی‌دارد و کسی را که به آن پناه برد، حفظ نمی‌کند (همان). رهبر معظم انقلاب، براساس آموزه‌های قرآنی موصوف می‌فرماید: «تقوا، عامل ایستادگی، مقاومت و عزم و اراده است»، «تقوا مایه هدایت، فرج و اقتدار عزم و اراده انسانی است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۸۲/۱۱/۲۴).

همان‌طور که گفته شد بین مقاومت، صبر و تقوا همنشینی ویژه‌ای وجود دارد. این همنشینی از جنس رابطه عموم و خصوص من وجه است. از این زاویه، در بعضی شرایط صبر می‌تواند مولود تقوا باشد و در شرایط دیگر خود، مسبب استمرار تقوا و تحمل دشواری‌های حاصل از آن باشد. افزون بر این، مبتنی بر قرآن کریم و روایات، تقوا در کنار صبر، عامل ایجاد پدیده‌هایی است که در امنیت ایجابی تعیین‌کننده می‌باشد. در هر صورت صبر تقوا پایه، از سنت‌های الهی محسوب می‌شوند. براساس سنت اجتماعی الهی، تقوا به همراه صبر، پیروزی‌آفرین و اقتدارزا است چنانکه در قرآن کریم آمده است: تقوا اگر در کنار صبر قرار گیرد، کید دشمن نمی‌تواند به افراد مؤمن آسیب برساند، نیز امدادهای الهی را برای انسان‌ها نازل می‌کند (آل عمران؛ ۱۲۰ و ۱۲۵). آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ سوره بقره که جریان تقابل طالوت و جالوت را بیان کرده نیز نقش صبر تقوا پایه را ترسیم می‌کند که چگونه طالوت، با وجود برتری تجهیزات و امکانات جالوت، به اذن الهی بر او پیروز شد: «فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ: طالوت جالوت را شکست می‌دهد و به اذن خداوند به فرمانروایی می‌رسد». آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال نیز غلبه و پیروزی کیفیت بر کمیت را نشان می‌دهد که چگونه سنت الهی غلبه و پیروزی را



برای صابران با تقوا به ارمغان می‌آورد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵) الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)». خداوند به پیامبرش وعده پیروزی می‌دهد و می‌فرماید اگر بیست نفر صابر در میان شما باشند بر دویست نفر غلبه می‌یابید و اگر صد نفر صابر در راه حق باشید بر هزار نفر غلبه پیدا می‌کنید و خداوند با صابری است». این مسأله سنت قطعی الهی است. بر همین اساس حضرت موسی (ع) صبر تقوایابیه را یکی از شروط دستیابی به قدرت و پیروزی معرفی می‌کند: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف؛ ۱۲۸). این موضوع در روایات نیز تصریح شده؛ از جمله امیرمؤمنان در نهج البلاغه می‌فرماید: «کسی که جامه تقوا بر قلبش بیوشاند، کارهای نیکوی او آشکار شود و در کارش پیروز گردد». یا می‌فرماید «تقوا کلید هر در بسته، ذخیره قیامت و عامل آزادگی از هر قیدی است که بخواهد بر انسان مسلط شود. تقوا نجات‌دهنده از هرگونه هلاکت است. با تقوا، تلاشگران پیروز می‌شوند و فراری T نجات می‌یابد و به هر آرزویی می‌توان رسید» (دستی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۳۰).

در عمل می‌توان سنت الهی موصوف را در حیات انقلاب اسلامی ملاحظه کرد. رهبر معظم انقلاب بدین صورت آنرا تشریح فرمود: «انواع توطئه‌ها و ترفندها را در این سی و چند سال از آنان دیده‌ایم. چیزی که مکر آنان را نقش بر آب کرده است، در اصل دو عامل اساسی است؛ ایستادگی بر سر اصول اسلامی و حضور مردم در صحنه. این دو عامل در همه جا کلید فتح و فرج است. عامل اول به‌وسیله ایمان صادقانه به وعده‌ی الهی و عامل دوم به برکت تلاش مخلصانه و تبیین صادقانه تضمین می‌شود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۲/۹). همان‌طور که مشاهده می‌شود ایمان صادقانه و تلاش مخلصانه از شاخص‌های تقوا است؛ یعنی این سنت تقوا است که به‌واسطه، موجد ایستادگی است. این سنت الهی را خداوند متعال چنین تصریح کرد که «فَاصْبِرْ إِنْ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ صبر و استقامت کن که سرانجام آن، از آن پرهیزگاران است» (هود؛ ۴۹). یا فرمود «بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ اگر بردباری و استقامت (در کارزار) داشته باشید و پرهیزگاری کنید، و آنان (یعنی دشمنان مشرک) هم اینک بر شما تاخت آرند، پروردگارتان (بر تعداد فرشتگان بیفزاید و) با پنج هزار فرشته یورشگر و نشانگذار، شما را یاری کند» (آل عمران؛ ۱۲۵). «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا؛ رعایت صبر و تقوا سبب می‌شود تا حيله و كيد دشمنان به جامعه



اسلامی آسیبی نرساند» (آل عمران؛ ۱۲۰). دقت در این آیات نشان می‌دهد که سنت اجتماعی الهی از نوع قضیه شرطیه هستند. در همه این موارد خداوند متعال می‌فرماید که اگر شرط را به‌جود آورید، جزای شرط نیز محقق می‌شود. از سوی دیگر به باور رهبر معظم انقلاب، صبر و استقامت، خاصیتی دارد که افراد یا سیستم را به قله‌های اقتدار ارتقا می‌دهد. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۶/۱۹). شاهد این بیان را می‌توان در آیه ۱۲۸ سوره اعراف، آنجا که درباره چگونگی دستیابی ملت یهود به حکومت و قدرت گزارش می‌شود، ملاحظه کرد. در آیه اثر علی تقوا تصریح و تبیین شد که علت دستیابی آن‌ها، بهره‌گیری از اصل تقواست. مسأله استعانت به خدا و صبر و شکیبایی در کارها را از مصادیق تقوای این قوم می‌شمارد که چگونه ملتی به مقام متقین دست یافتند و توانستند به حکومت و قدرت سیاسی و نظامی برسند. مؤیدات نقش تقوا در ایجاد بُعد هنجاری سرمایه اجتماعی و مستحکم کردن امنیت ایجابی را می‌توان در دعای بیستم مکارم الاخلاق صحیفه مبارکه سجاده شریف نیز مشاهده کرد؛ آنجا که فرمودند «اللهم صلّ علی محمد و اله و حلّنی بحلیة الصالحین و البسنی زینة المتقین» از خدای متعال درخواست می‌کند که پروردگارا! مرا با زیور صالحان زیور بده و با لباس پرهیزگاران ملبس کن. لباس اهل تقوا یا پرهیزگاران عبارت است از «فی بسط العدل»؛ لباس پرهیزگاران در گستردن عدالت، «کظم الغیظ»؛ در فرو بردن خشم، «اطفاء النائرة»؛ در فرو نشاندن آتش؛ آتش‌هایی که بین افراد جامعه برمی‌افروزند، و «ضمّ اهل الفرقة»؛ افرادی که از شمایند، اما جدا شدند، سعی کنید این‌ها را گرد بیاورید (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۵/۲۷).

با توجه به آیات و روایات و بیانات رهبری، این نتیجه رهنمون می‌شود که تقوا از یک سو، نافی عناصر زوال سرمایه اجتماعی است و از سوی دیگر موجب اعتماد و استقامت می‌باشد و اعتماد نیز مقبولیت و رضایت‌مندی مردم و خداوند متعال را فراهم می‌سازد و پایداری بستر ساز امداد الهی می‌شود، در نتیجه ارکان اصلی امنیت ایجابی تأمین می‌گردد.

نقش تقوا بر عنصر اعتقادی در امنیت ایجابی

شاخص‌های اعتقادی سرمایه اجتماعی که بر بعد ایجابی امنیت ملی تأثیرگذار باشد، متعدد است. عنصر اعتقادی در اینجا معنای عام دارد که علاوه بر باورهای مذهبی، شامل باورداشتهای اجتماعی نیز می‌شود. خاصیت باورهای انسانی این است که رفتارها تحت تأثیر آن‌ها هستند. مهم‌ترین شاخص اعتقادی سرمایه اجتماعی، وفاداری و ایمان است. از منظر آموزه‌های اسلامی یکی از مهم‌ترین شاخص وفادارها، ایمان به خداوند و روز جزا است و کسی که وفادار نیست، از دین بی‌بهره است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۳۶۴ و مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸۱، ۲۵۲). در آیات قرآن کریم نیز مؤمنان، کسانی هستند که به عهد خود وفا



می‌کنند» (بقره؛ ۱۷۷). در عین حال وفای به عهد نشانه نیکوکاران است (بقره؛ ۱۷۷). در این راستا، امیرالمؤمنین علیه السلام وفا را همزاد راستگویی می‌شمارند و می‌فرمایند: «به راستی، که وفا همزاد راستگویی است و سپری نگهدارنده‌تر از آن نمی‌شناسم» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۵۵۳). از سوی دیگر به فرموده علی علیه السلام راستگو به سبب راستگویی خود سه نعمت به دست می‌آورد؛ معتمد مردم می‌شود، او را به درستی و صمیمیت می‌پذیرند و بزرگی و عظمتش در دل‌ها جای می‌گیرد (همان: ۶۴۲). بررسی مزبور به ویژه روایت اخیر نشان داد که وفاداری به مثابه عنصر اعتقادی و ایمانی، تأثیرگذار بر سایر عناصر سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و اعتبار نیز می‌باشد.

از منظر تعرف‌الاشیاء بأضدادها، زوایای بیشتری از وفاداری و رابطه آن با سرمایه اجتماعی و بعد ایجابی امنیت را نشان می‌دهد. برخی وفا را ضد «غدر» به معنای خیانت، بی‌وفایی و پیمان‌شکنی ذکر کردند (ابن منظور، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ۳۹۸). برخی دیگر آن را ضد جفا تعریف کردند و جفا نیز به معنای قطع محبت دیگران است، درحالی که وجود وفا شخص را نسبت به مفارقت با محبوب بی‌تاب می‌سازد و دوست او را دوست و دشمن او را دشمن می‌شناسد (نراقی، ۱۳۷۰، ج ۳، ۲۲۸). یعنی وفادار کسی است که در دوستی خود خیانت نمی‌کند. به همین جهت، وفادار کسی است که منافع جمعی و ملی را بر منافع شخصی و گروهی یا منافع بیگانه ترجیح می‌دهد بنابراین، وفاداری از یک سو متغیر مستقل بر امنیت ایجابی و از سوی دیگر، متغیر وابسته به عناصری است که از آن‌ها متأثر است. وفاداری از طریق عوامل میانجی مانند صداقت و راستگویی، عدم خیانت و خیرخواهی، تقدم منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی است و در ایجاد اعتماد و ارتقای سطح آن و در نتیجه بر امنیت ایجابی تأثیر می‌گذارد.

وفاداری با توجه به وفای به عهد، رابطه مستقیمی با مسئولیت پیدا می‌کند. تحقیقات علمی نیز نشان می‌دهد که بین مسئولیت و وفاداری رابطه معناداری وجود دارد (مهنانی، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۷). این رابطه بیانگر این واقعیت است که وفاداری، حمایت نگرشی و رفتاری از واحد سیاسی و کارگزاران آن را به همراه می‌آورد؛ چراکه مسئولیت‌پذیری دولت و دولتمردان، مفهوم خدمت‌گذاری را در باور و برداشت مردم شکل می‌دهد و به میزان عمق باور مردم به مسئولیت‌پذیری و خدمت‌گذاری دولت، آن واحد سیاسی مستظهر به سرمایه اجتماع می‌شود. چنانکه مقام معظم رهبری فرمود: «خدمت به مردم به‌عنوان یکی از چیزهایی است که می‌تواند امنیت کلی کشور را تأمین کند» (بیانات، ۱۳۸۲/۱/۱). لذا از این رهگذر، هر چقدر دولت بتواند مسئولیت‌های خود را در قبال مردم و نیازهای آنان به‌خوبی و صادقانه انجام دهد، رابطه بین داشته (پاسخگویی و کارآمدی)، خواسته‌های



شهروندی بیشتر به هم نزدیک شده و در نتیجه امنیت ایجابی بروز و ظهور بیشتری یافته و مستحکم‌تر خواهد شد.

و اما تقوا در رابطه با عناصر اعتقادی سرمایه اجتماعی جنبه زیربنایی و علی و معلولی دارد؛ چراکه وفاداری به‌ویژه وفای به عهد - (عهدی که انسان با خدا می‌بندد (توبه؛ ۷۵)، عهدی که انسان با مردم می‌بندد (بقره؛ ۱۷۷) و عهد رهبر با امت و بالعکس (انفال؛ ۵۶) - از نشانه‌های تقوای انسان است «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران؛ ۷۶). براساس این آیه قرآن کریم، تقوا به مثابه سنت اجتماعی الهی برای تولید وفاداری استنباط می‌شود زیرا تقوا، وفاداری را تولید و ملاک محبوبیت می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۴۴). براساس این قاعده در صورتی که مهر و محبت خداوند به‌سوی بندگان و جامعه جلب و جذب شود و فرد یا جامعه‌ای که خداوند از ایشان راضی است و محبوب خداوندی باشند، این محبت در میان افراد جامعه بروز و ظهور می‌کند و همگرایی و اطمینان و اعتماد در آن جامعه نیز فزونی می‌یابد (آل عمران؛ ۷۶). علاوه بر این، تقوا مسئولیت‌پذیری را هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق تأثیرگذاری بر وفاداری تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این پایه رهبر معظم انقلاب فرمود: «اگر در نظامی، مسئولان نظام با تقوا باشند ... تقوا موجب می‌شود که در موقع نابرابری، کاری نکنید که انسان در موقع برابری خواهد کرد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۶/۲۶). شکل‌گیری چنین شرایطی، سرمایه اجتماعی را فوق‌العاده افزایش خواهد داد و بدین واسطه امنیت ایجابی مستحکم می‌شود.

ایمان یا باورهای مذهبی در یک جامعه، سرمایه اجتماعی آن به‌شمار می‌آید، به‌گونه‌ای که این نوع باورها، ضریب ایدئولوژیک جامعه را افزایش داده و در نتیجه امنیت ایجابی نیز به میزان دامنه و عمق آن در بین احاد مردم از استحکام بیشتری برخوردار می‌شود. باورهای مذهبی در جامعه اسلامی متعدد است. یکی از آن‌ها امدادهای الهی و حسن ظن به وعده‌های الهی است که در متون اسلامی خود از زمره سنت‌های الهی هم محسوب می‌شود. این باور براساس آموزه‌های قرآنی و روایی متأثر یا مولود تقوا پیشگی است؛ یعنی سنت اجتماعی قرآن دلالت بر این حقیقت دارد که قدرت غیبی، پشتیبان هر ملت با تقوا است. یکی از شواهد آن، آیه ۱۹ سوره جاثیه است: «إِنَّهُمْ لَن يَغْنُؤَا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ؛ ظالمان ولیّ یکدیگرند و خداوند ولیّ افراد با تقوا است.» آیات فراوان دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، به‌طور نمونه «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ بدانید که خدا با تقوای پیشگان است» (بقره؛ ۱۹۴). این آیه قرآن کریم در رابطه با رویارویی با متجاوز است که هر کسی به ناحق به حریم دیگری تجاوز نماید، دیگری

می‌تواند در مقام دفاع و گرفتن حق خود مقابله به مثل کند. ایمان به این وعده الهی، همان سرمایه اجتماعی است که در مدیریت امنیتی بسیار حائز اهمیت است. براساس تفسیر مقام معظم رهبری از این آیه شریفه مؤید این نکته است که «خدا با اهل حرکت در راه او است و مجاهدین را ان شاء الله نصرت خواهد داد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۷/۲۱). آیه ۱۲۴ سوره آل عمران نیز نمونه بارز برخورداری تقوای پیشگان از امداد غیبی است. در نتیجه همه این آیات، قطعیت رابطه بین تقوای پیشگی و کمک امدادهای الهی در عرصه‌های مختلف اجتماعی را نشان می‌دهند. به باور مقام معظم رهبری «این‌ها وعده‌های قرآنی است برای تقوا. وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؛ هیچ کس، هیچ وعده‌دهنده‌ای صادق‌تر از خدای متعال نیست؛ وقتی خدای متعال وعده می‌دهد، تحقق پیدا می‌کند، قطعی است و در این شکی نیست» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

نقش تقوا بر عنصر ارتباطی سرمایه اجتماعی و امنیت ایجابی

تقوا با توجه به ابعاد اشاره‌شده، بر عناصر ارتباطی سرمایه اجتماعی مؤثر است. تعاون و مشارکت اجتماعی که یکی از عناصر سرمایه اجتماعی است (ر.ک. ساروخانی، ۱۳۷۸: ۵۱-۴۱) با تقوا رابطه چندسویه‌ای دارد. براساس آموزه‌های قرآنی و روایی، تقوا هم موضوع تعاون و هم مؤد و مقوم آن است. پیامبر گرامی فرمودند: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى: مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری می‌رسانند» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۱۸۱). همان‌طور که این حدیث نشان می‌دهد خیر، مشروط به تعاون بر تقوا است و در اصطلاح خیر به چیزی گفته می‌شود که تمام مردم آن‌را دوست دارند و شامل مصادیق متعدد مادی و معنوی می‌شود و این سنت الهی است که تعاون بر تقوا موجد خیر است که شامل مصادیقی همچون دوستی، همکاری و یاری یکدیگر می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز براساس این آموزه فرمود: «جامعه‌ای که در راه تقوا حرکت می‌کند، فضای زندگی آن جامعه، فضای سالم و محبت‌آمیز و همراه با تعاون و همکاری بین آحاد جامعه است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹ / ۱ / ۱۰). از سوی دیگر تقوا موانع تعاون و همکاری مانند حسد، عجب و خودبزرگ بینی، عداوت و دشمنی (نراقی، ۱۳۴۸: ۲۵۵-۲۵۳) را می‌زداید. انفاق در آموزه‌های اسلامی، یکی از مصادیق مشارکت اجتماعی است و گستره وسیعی در امور مادی و معنوی دارد؛ مانند «جهدوا بِأَمْوَالِكُمْ» (توبه؛ ۴۱) یا «أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ...» (بقره؛ ۲۶۷) اما نکته کلیدی این است که تقوا براساس آیات قرآن کریم در موضوع انفاق، نقش تعیین‌کننده دارد و انفاق را از شاخص‌های اصلی تقوا می‌می‌شمارد و ثبات و امنیت عمومی را در گرو انفاق و احساس



توانگران می‌داند (بقره؛ ۳ و).

انسجام و همبستگی اجتماعی نیز به‌عنوان عنصر ارتباطی سرمایه اجتماعی، از جایگاه مهمی در منابع اسلامی برخوردار و متأثر از سنت الهی تقوا است؛ *إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ تُتَّقِيكُمْ* (حجرات؛ ۱۳)، این سنت، زیربنای وحدت و انسجام را تشکیل می‌دهد؛ چرا که دعوت به تقوی و پرهیزکاری، دعوت به دورریختن عوامل تفرقه‌انگیز بین انسان‌ها است. مقام معظم رهبری با بیان این مطلب و برپایه تفسیر آیه موصوف، اختلاف را سم مهلک دانسته و فرمود: «عرب و عجم، شیعه و سنی، مذاهب مختلف، رنگ پوست‌ها نباید بین ما اختلاف ایجاد کند؛ «و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا». این شعبه‌شعبه‌شدن، این قبیله‌قبیله‌شدن، این نژادنژادشدن، مایه اختلاف نیست؛ «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» محور، چیز دیگر است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۵/۲۹). در همین راستا، پژوهشگران بر این باورند که افراد با خودکنترلی [تقوا] بالا، توانایی بیشتری در رفع اختلافات و مشکلات دارند (خلیلی، ۱۳۹۷: ۱۱۸). به اعتقاد رهبر معظم انقلاب یکی از عوامل اختلاف‌افکنی، دشمنان بیرونی هستند؛ اما در صورتی که تقوای سیاسی حاکم باشد، اثرگذاری این عامل سالبه، به انتفاع موضوع منجر خواهد شد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۱/۲۶).

مقوله اعتبار نیز عنصر ارتباطی سرمایه اجتماعی است که در حکم پشتیبان واحد سیاسی به شمار می‌آید (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۱۷). دستیابی به اعتبار منوط به تصمیمات، رفتارها و اقداماتی است که واحد سیاسی در رابطه با خواسته‌های شهروندان و امور آن‌ها اتخاذ می‌کند از این رو، هر قدر اعتبار بیشتر باشد، جلب اطمینان مخاطب نیز مؤثرتر و سرمایه اجتماعی افزون‌تر می‌شود. در این میان تقوا متغیر واسطی است که با تأثیرگذاری بر کارگزاران دولت، ضمن به‌وجودآوردن انگاره‌های مثبت و صادقانه از آن‌ها در نزد افکار عمومی، کارکرد خدمتگزارانه آن‌ها را می‌افزاید و از این رهگذر برای آن‌ها اعتبار و محبوبیت تولید می‌کند. به میزان افزایش اعتبار و نفوذ، ضریب امنیت ایجابی نیز ارتقا و استحکام بیشتری می‌یابد. مؤید این گزاره در روایتی است که علامه مجلسی ذکر کرده است: «من کان لله کان الله له: هر کس که از برای خدا باشد، خداوند برای اوست» (علامه مجلسی، همان، ج ۷۹، ص ۱۹۷). در واقع خاصیت تقوا این است که افراد را با خدا و برای خدا تبدیل می‌کند. بدین‌وسیله خداوند نیز قدرت و سنت‌های خود را در خدمت تقواپیشه قرار می‌دهد و دل‌های مردم را متوجه او می‌کند. این موضوع در قرآن کریم تصریح شده است «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ: بی‌گمان خدا (مرحمت و معونت و حفاظت و رعایت همه‌جانبه‌اش) همراه کسانی است که تقوا پیشه کنند و (با دوری از نواهی، خود را از خشم خدا به دور دارند و با تمام نیرو و قدرت) با کسانی است که نیکوکار



باشند و (با انجام اوامر الهی خویشتن را به الطاف ایزد نزدیک سازند)» (نحل؛ ۱۲۸).

نقش تقوا بر عنصر آینده‌شناختی سرمایه اجتماعی

در مورد شناخت عناصر سرمایه اجتماعی، عمده نظریه‌ها به فضای حال تأکید کرده و آن‌را با عمل در زمان حال پیوند زده‌اند. در این میان برخی از محققان با نقد این نوع نگاه به سرمایه اجتماعی، بر این اعتقادند که بخش مهمی از سرمایه اجتماعی با عنصر آینده و مقوله‌هایی مانند بصیرت و امید ارتباط دارد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۱۹). با این فرض، در جامعه و واحد سیاسی که سرمایه اجتماعی بالایی دارد، علاوه بر عناصر پیش‌گفته، بصیرت و امید در آن جامعه نیز غلبه پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، استحکام امنیت ایجابی که هسته مرکزی آن سرمایه اجتماعی است، کامل خواهد شد. امید به معنای انتظار وقوع خیری مسرت‌بخش است یا به معنای گمان وقوع خیری ممکن‌الحصول در آینده آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۳۴۶). در این راستا، تقوا رابطه مستقیمی با مقوله امید و آینده‌نگری دارد. عبارت‌های لَعَلَّكُمْ یا عبارت اگر ... پس در قرآن کریم مفاهیم آینده‌نگرانه است. به‌طور مثال اگر خداوند متعال می‌فرماید «وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ» و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگار شوید، پاداش بزرگی خواهید داشت» (آل عمران؛ ۱۷۹) از جمله سنت‌های الهی است که به‌صورت قضیه شرطیه بیان شده است؛ یعنی هرگاه شرط محقق شود جزا هم محقق می‌شود. درخصوص مفهوم لَعَلَّكُمْ، آیات متعددی در قرآن کریم مشاهده می‌شود که به بیان رهبر انقلاب به معنای امید است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۲/۲۴). مانند این آیات که می‌فرماید: «وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ خداوند به تقوا پیشگان امید به رحمت الهی می‌دهد» (انعام؛ ۱۵۵)؛ «لَتَتَّقُوا و لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف؛ ۶۳)، «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره؛ ۱۸۹). آنچه ملاحظه می‌شود درواقع نقش سنت اجتماعی تقوا در امیدبخشی است. به بیان رهبر انقلاب «آنچه ما را قوی می‌کند، تقواست؛ آنچه ما را آسیب‌ناپذیر می‌کند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه این راه تا رسیدن به اهداف عالی امیدوار می‌کند، تقواست.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۳/۱۴). در فراز دیگر فرمود: «همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید می‌دهد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۲/۹).

یکی از گزاره‌های سنت الهی تقوا که امید صادقانه را در جامعه مؤمنین تزریق می‌کند، مخرجیت تقوا و بن‌بست شکنی آن در برار موانع و چالش‌ها است. آیات دوم و سوم سوره طلاق به این سنت اشاره دارد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا». شهید



مطهری در تفسیر این آیات، تقوا و توکل را قانونی می‌داند که گویی فوق همه قوانین و حاکم بر همه آنهاست «از این آیه، استنباط می‌شود که به دنبال توکل، عنایت پروردگار قطعی است؛ در عین حال برای اینکه فراموش نشود که کار خدا، نظام و قانونی دارد، بیان فرموده که «خدا برای هر چیزی اندازه و حسابی قرار داده است» و هم فرموده که «هر کس پرهیزکاری کند، خدا برای وی راهی قرار می‌دهد» یعنی کار او بدون قانون و بی‌وسيله نیست، هر چند که ممکن است آن وسیله، از وسائل عادی و راه‌های شناخته‌شده نبوده، بلکه «من حیث لا یحتسب» باشد» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ۱۴۱). در واقع این سنت الهی تخلف‌ناپذیر است که اگر انسان متقی، خواست خود را در مسیر خواست و اراده خدا قرار دهد و چون اراده الهی بن بست ندارد، انسان متقی نیز به بن بست نخواهد رسید. افزون بر این او را از آنجایی که گمان ندارد روزی می‌رسد.

نمونه دیگر سوره طلاق آیه ۴ است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا: کسی که تقوا پیشه کند خداوند سختی‌هایی را که برای او پیش می‌آید آسان می‌نماید.» در این راستا، روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نقل شده که می‌فرمایند: «کسی که تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور می‌شود، تلخی‌ها، شیرین و فشار مشکلات و ناراحتی‌ها برطرف خواهد شد. مشکلات پایبی و خسته‌کننده هم آسان گردیده و مجد و بزرگی از دست‌رفته، چون قطرات باران بر او فرو می‌بارد.» همچنین در خطبه ۱۸۱ نهج‌البلاغه اشاره شد که: «وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِنَ الظُّلَمِ: بدانید هر که تقوای الهی داشته باشد، خداوند برای او راه بیرون شدن از فتنه‌ها و نور به جای تاریکی قرار می‌دهد.» این سنت نه تنها برطرف‌کننده مضایق و مشکلات انسان و جامعه است، برکات الهی را نیز بر آن‌ها نازل می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: هرگاه مردم شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌ساختند، بر آنان برکت‌هایی از آسمان و زمین می‌گشودیم» (اعراف؛ ۹۶). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، برکات را به معنای هر خیر کثیری مثل امنیت، آسایش، سلامتی، مال، اولاد و ... می‌داند. این آیه روشن می‌کند که هرگاه افراد جامعه‌ای میزانی از ایمان و تقوا به دست آورند که بتوان گفت «جامعه ایمان و تقوا پیشه کرده» خداوند نعمت‌های مادی و معنوی‌اش را شامل حال آن جامعه می‌کند که دست کم، بخشی مهمی از آن نعمت‌ها مانند رفاه اقتصادی، امنیت اجتماعی و پیشرفت علمی همه افراد آن جامعه را، خواه مؤمن و خواه کافر، دربر می‌گیرد. امیرالمؤمنین علیه السلام بر این امر تصریح دارند که «لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَانَتَا عَلَي غَبْدٍ رَتَقًا ثُمَّ اتَّقَى اللَّهُ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهَا مَخْرَجًا وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. اگر آسمان‌ها و



زمین، راه را بر بنده‌ای ببندند و مثل منگنه‌ای آن را تحت فشار قرار بدهند پس او تقوای الهی پیشه کند، خداوند از میان این تنگنا حتماً راه گشایشی برای او فراهم خواهد کرد و از جایی که گمان ندارد روزی اش خواهد داد.» سوره زمر آیه ۶۱ نیز وجه دیگر این موضع را به صورت قضیه شرطیه بیان می‌فرماید: «خداوند کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند رهایی می‌بخشد و به مقصودشان می‌رساند. هیچ گونه بدی و بلایی به ایشان نمی‌رسد و غمگین و اندوهگین نمی‌گردند».

براساس این قواعد یا سنت‌های الهی موصوف، رهبر معظم انقلاب به‌طور مکرر می‌فرماید: «اگر ملتی یا فردی دارای تقوا بود، تمام خیرات دنیا و آخرت برای او جلب خواهد شد. تقوا، کلید خوشبختی دنیوی و اخروی است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹/۱/۱۰). این بیان رهبری مستند به این آیه قرآن کریم است که می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ هان! بی‌گمان دوستان خداوند ترسی بر آنان نیست و (بر ازدست‌رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند. (دوستان خداوند) کسانی هستند که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده‌اند، برای آنان در دنیا و در آخرت بشارت (به خوشبختی و نیکبختی) است» (یونس؛ ۶۴-۶۲) بنابراین، براساس این آیات، جامعه متقی و متوکل نباید هیچ‌گاه خود را در بن‌بست یا غمگین از آینده خود ببیند، بلکه باید باور به رسیدن عنایت و لطف الهی از جایی غیر قابل تصور، امید به آینده را در عین تلاش و پویایی، در خود زنده نگه دارد. نتیجه دیگر اینکه جامعه امیدوار به وعده الهی که ریشه در تقوا و ایمان دارد، سرمایه اجتماعی پایداری را تولید می‌کند که از رهگذر آن، به ایمنی پایدار دست خواهد یافت.

بصیرت نیز به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم آینده‌شناختی سرمایه اجتماعی است، زیرا بصیرت به‌معنای دیدن ورای ظواهر پدیده‌ها، شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، ریشه‌یابی کردن و آینده‌نگری براساس آن است. رابطه آن با تقوا نیز رابطه علی و معلولی است. بر پایه این سنت یا قاعده الهی، هر فرد یا جامعه‌ای تقوا پیشه کند، خداوند به آن بصیرت و فرقان و دوراندیشی می‌دهد. آیات متعددی بر این سنت الهی تأکید دارند از جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا» (حدید؛ ۲۸) یا «يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيَكْفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ» (انفال؛ ۲۹). به باور شهید مطهری، حکمت، روشن‌بینی و فرقانی که مولود و حاصل تقوا است از زمره حکمت عملی است نه حکمت نظری (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۳، ۷۱۳). یعنی در اثر تقوا انسان بهتر درد خود و دوی خود و راهی که باید در زندگی پیش بگیرد می‌شناسد؛ (همان: ۷۱۴). در



این راستا، رهبر معظم انقلاب ضمن بیان این نکته که «نقطه‌ی مقابل تقوا، غفلت و بی‌توجهی و حرکت بدون بصیرت است» با استناد به آیه ۲۸ از سوره حدید نقش سنت تقوا در بصیرت را بدین‌گونه تفسیر می‌کنند: «اگر تقوا باشد، هدایت الهی هم هست؛ و اگر تقوا نباشد، هدایت الهی هم به‌صورت کامل نصیب فرد و جامعه نمی‌شود. تقوا موجب می‌شود که خدای متعال نوری را در قلب و زندگی و راه شما قرار بدهد تا بتوانید در پرتو آن نور حرکت کنید و راه زندگی را پیدا نمایید» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹/۱/۱۰). در واقع خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره حدید وعده می‌دهد که افراد یا جامعه با ایمان، اگر تقوای الهی پیشه کنند و به رسول او ایمان بیاورند ... خداوند نوری را پیش روی آن‌ها قرار می‌دهد که به‌وسیله آن روشن‌بینی، دوراندیشی و آینده‌نگری پیدا می‌کنند. بیان فوق، دلالت بر این نکته راهبردی دارد که توانمندشدن جامعه از نظر بصیرت و قدرت تشخیص و تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده سیاسی - اجتماعی به استحکام درونی نظام سیاسی منجر شده و از این طریق می‌تواند زیرساخت الگوی ضدتهدید نرم را تشکیل دهد. وقتی توان تحلیلی و بصیرتی جامعه بالا باشد، استقامت و پایداری آن نیز افزایش یافته و به دژ نفوذناپذیر تبدیل شده و نظام را از تیررس تهدیدات نرم و روانی دور نگه می‌دارد. این الگو را می‌توان در گفتمان اسلامی با عبارت «بنیان مرصوص» ملاحظه نمود؛ اما ضعف بصیرت و فقدان قدرت تجزیه و تحلیل، جامعه را شکننده و متزلزل نموده و پایه‌های نظام سیاسی و امنیت ایجابی را بر بنیادهای سستی قرار خواهد داد بنابراین، «تنها راه رسیدن به اوج سعادت دنیوی و اخروی [دستیابی به قدرت مطلوب و لایزال] شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ و اراده مستحکم است و همه‌ی این‌ها متکی بر ایمان اسلامی است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۱/۱)

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش نشان داده شد که تقوا در آموزه‌های اسلامی یک مفهوم اخلاقی صرف حوزه خصوصی نیست، بلکه در همه حوزه‌ها و زیست‌جمعیتار معنایی و با همه ابعاد و عناصر واحد سیاسی متناسب با ماهیت آن‌ها ارتباط ارگانیک دارد. تقوا در ادبیات قرآنی و روایی به مثابه سنت‌های اجتماعی تلقی شده و به‌صورت سنت‌های قطعی و قضایای شرطیه در حوزه‌های مختلف جوامع تجلی می‌یابد. دامنه، گستره و عمق مقوله تقوا در یک جامعه و واحد سیاسی ضمن اینکه خود سرمایه اجتماعی آن‌ها محسوب می‌شود، رابطه علی و معلولی با سرمایه اجتماعی نیز دارد و از این رهگذر با همه ابعاد نظام سیاسی

از جمله امنیت ربط و وثیقی پیدا می‌کند. با توجه به مسأله پژوهش حاضر، تقوا از سه مسیر بر بعد ایجابی امنیت ملی تأثیر می‌گذارد:

یکی از راه‌ها، تأثیرگذاری بر سرمایه اجتماعی است. تقوا به‌عنوان سنت و ناموس الهی، عناصر اعتقادی و ایمانی سرمایه اجتماعی از جمله، وفاداری، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری، باورداشت‌های اجتماعی نظیر باور به صداقت و راستگویی، سلامت یا امانت‌داری کارگزاران، باورهای مذهبی مانند حسن ظن به وعده‌های الهی، یاری کردن خداوند به مؤمنین و امدادهای غیبی را متأثر می‌سازد. به همین ترتیب تقوای الهی بر بعد هنجاری سرمایه اجتماعی نظیر اعتماد، روحیه استقامت و پایداری، خدمت‌گزاری، همدردی و همدلی تأثیرگذار است. بُعد ارتباطی سرمایه اجتماعی مانند تعاون و مشارکت اجتماعی، یاری کردن یکدیگر، انسجام و وحدت ملی، اعتبار و نفوذ نیز بر اثر تقوا پیشگی در جامعه و کارگزاران نظام ماهیت امنیت‌ساز پیدا می‌کند. علاوه بر موارد فوق، تقوا تنها با ابعاد حالیه سرمایه اجتماعی سروکار ندارد، بلکه جنبه‌های آینده‌شناختی و بصیرتی آن‌را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. برون‌داد این تأثیرگذاری، جامعه امیدوار است و جامعه امیدوار موتور حرکت توسعه و پیشرفت و ضد سستی و اغتشاش ذهنی و عینی است. درنهایت، اثرپذیری ابعاد سرمایه اجتماعی به‌عنوان هسته مرکزی امنیت ایجابی از تقوا به مثابه سنت اجتماعی الهی، سبب استحکام‌بخشی رابطه بین ملت و حاکمیت شده و مولد قدرت نرم برای نظام خواهد بود.

راه دوم، تأثیرگذاری بر کیفیت فضای داشته و خواسته به‌عنوان دو رکن امنیت ایجابی است؛ یعنی تقوا از یک سو بر داشته‌ها یا همان پاسخگویی حاکمیت که تجلی کارآمدی آن محسوب می‌گردد، مؤثر واقع می‌شود و از سوی دیگر، خواسته‌های شهروندان (نیازهای ملی) را کنترل و متعالی می‌سازد. به بیان روشن‌تر، تقوا قدرت اثربخشی دارد که در صورت نفوذ و عمق‌یابی آن در روحيات و منش کارگزاران نظام، مسئولیت‌پذیری آن‌ها را ارتفاع و ارتقا می‌دهد و خدمت‌گزاری صادقانه و مجاهدانه را جایگزین رفتار مبتنی بر کسب و افزایش منفعت و منزلت مادی می‌نماید. درواقع براساس یافته‌های این پژوهش توسعه و تعمیق عناصر تقوا در رفتار دولتمردان، عناصر بُعد ایجابی امنیت از جمله پاسخگویی، کارآمدی و کسب رضایت مردمی را به‌عنوان معیار کسب رضایت و قرب الهی محقق می‌سازد. همچنین برپایه مباحث این پژوهش، گسترش ابعاد مختلف تقوا در جامعه، می‌تواند خواسته‌های شهروندی یا نیازهای ملی را با کارویژه‌های دولتی نزدیک کرده و از این زاویه نیز احساس رضایت‌مندی در جامعه را افزایش دهد. از آنجایی که خواسته‌های شهروندی یا نیازهای ملی ماهیت افزایشی دارد، گسترش تقوای جمعی می‌تواند در



مدیریت افزایش خواسته‌ها مؤثر بوده و فرصت‌های اجتماعی را برای ارتقای ظرفیت‌های پاسخگویی را به دولت بدهد. نتیجه این فرایند در شکل‌گیری جامعه ایمن و استحکام بخشی امنیت ایجابی نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. در رابطه داشته و خواسته، اگرچه عناصر مادی «قدرت - کارآمدی» مانند دانش، ثروت و اقتصاد تنها شرط لازم استحکام و پایداری محسوب می‌شود، اما شرط کافی یا علت تامه و عامل راهبردی درون‌زایی «قدرت - کارآمدی» و به‌ویژه استواری و استمرار آن، معنویات و تقوا به‌عنوان سنت اجتماعی الهی است.

راه سوم، تأثیرگذاری تقوا بر ضریب ایدئولوژیک است. ضریب ایدئولوژی مبانی، اصول و ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه است؛ جامعه اسلامی ضریب ایدئولوژی متناسب خود را دارد، بالابودن ضریب ایدئولوژی در ایران پس از انقلاب اسلامی کمک تعیین‌کننده در تأمین امنیت و عبور از بحران‌ها و ناامنی‌های مختلف داشته و همواره به مثابه کمربند ایمنی عمل کرده است. گزاره‌های بررسی شده درباره نقش تقوا نشان داد که تا چه میزان بر ارزش‌های دینی، انقلابی و هنجارهای اخلاقی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... به‌عنوان شاخص‌های ضریب ایدئولوژیک، تأثیرگذار بوده است. رعایت تقوای الهی در فعالیت‌های فردی و جمعی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در یک جامعه براساس سنت‌های اجتماعی قرآن، همه خیرات و الطاف الهی را نصیب آن جامعه خواهد کرد. نتیجه نهایی اینکه یافته‌های تحقیق دلالت بر این واقعیت دارد که تقوا بر هر سه رکن امنیت ایجابی یعنی خواسته‌ها (نیازهای ملی)، داشته‌ها (کارآمدی نظام سیاسی) و ضریب ایدئولوژیک تأثیرگذار است و زوال تقوا نیز بنیادهای قدرت نرم هر نظام سیاسی را سست و در نتیجه امنیت ایجابی آن‌را ناپایدار و درنهایت به جامعه نایمن تبدیل خواهد کرد.

پیشنهادات

۱. با توجه به یافته‌های این تحقیق هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی مورد بررسی می‌تواند به‌عنوان یک پژوهشی علمی کمی و پیمایشی مورد توجه قرار داد.
۲. همچنین با عنایت به نقش راهبردی تقوا به‌مثابه سنت اجتماعی الهی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و دفاعی، جا دارد پژوهش‌های مستقلی برای تدوین راهبردهای تقوایی در هر یک از ابعاد موصوف صورت گیرد.
۳. با توجه به اهمیت و ارزش راهبردی تقوا که جزو سنت‌های اجتماعی الهی قطعی و شرطیه است و وجود و فقدان آن در هر سیستمی می‌تواند آثار و نتایج

تعیین‌کننده داشته باشد، لازم است تا مرجعی رسمی با مشارکت قوای سه‌گانه به‌منظور مراقبت و نظارت بر رفتار و عملکرد کارگزاران قدرت سیاسی و ضبط و ثبت عملکرد آنان با هدف جلوگیری از بداخلاقی‌ها و تشویق کارگزاران شایسته در پست‌های مدیریتی ایجاد شود.

۴. اهمیت استراتژیک گفته‌شده به‌طور عقلایی این پیشنهاد را می‌دهد که ترویج و توسعه الگوی زندگی سیاسی منطبق با آموزه‌ها و مبانی دینی و سیره نظری و عملی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) برای گسترش و عمق‌بخشی تقوا در جامعه امری ضروری و اساسی است.

۵. در راستای نکته مدیریتی چهارم، نشر و تبلیغ آثار منفی اشرافی‌گری، قدرت‌طلبی، تکاثر ثروت، عافیت‌طلبی، بی‌تعهدی، بی‌انصافی و سایر موانع تقوا در حوزه‌های خصوصی، مدنی و جامعه کارگزاران قدرت سیاسی برای دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ای، باید به‌صورت هدفمند و جهادی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

فارسی

قران کریم

بیانات رهبر معظم انقلاب، www.farsi.khamenei.ir

- ابن‌منظور، جمال‌الدین محمدبن مکرّم (۱۳۸۸ق)، لسان‌العرب، بیروت، دار صادر.
- اخوان، پیمان؛ مقدم، جعفر یزدی (۱۳۹۲)، بررسی توأم نقش اصول اخلاقی و مدیریت دانش بر عملکرد سازمانی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هشتم، شماره ۲، تابستان.
- اسدی، حیدر؛ رجیبی، هادی (۱۳۹۶)، نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، س ۱۴، ش ۱۶، زمستان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). بازخوانی امنیتی سرمایه اجتماعی در کتاب مجموعه مقالات قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، تهدید نرم: رویکرد اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- ایزوتسو، توشی‌هیکو (۱۳۷۸)، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزاد روز.
- آقاجانی، نصرالله (۱۳۹۳). ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، س ۲، ش ۳، زمستان.
- بختیاری، حسن (۱۳۸۷)، میزان تأثیر معنویت بر توانمندسازی فرماندهان و مدیران میانی ناجا، پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، دوره ۳، شماره ۲، تابستان.
- پناهیان، علیرضا (۱۳۹۸). تقوا؛ طرحی برای اداره جامعه، مؤسسه بیان معنوی.
- پوراحمدی حسین؛ جعفری‌پناه، مهدی (۱۳۹۱)، اخلاق به مثابه قدرت نرم با رویکرد اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی،



شماره ۵۷، بهار، ص ۱۵۶-۱۳۷.

- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۳)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- جوادی آملی، عبداللّه (۱۳۷۸)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، ج ۲، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی، یدالله (۱۳۸۷)، نقش معنویت در تولید قدرت ملی، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۳، تابستان، ص ۶۸-۳۱.
- خان‌محمدی، هادی (۱۳۸۸)، طراحی سیاست‌های کلان علمی کشور مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با استفاده از روش رویش نظریه. دانشکده معارف اسلامی و مدیریت. دانشگاه امام صادق(ع).
- خزاعی، نرگس؛ فرزانه‌پور، حسین؛ پورشافعی، هادی (۱۳۹۴)، تقوای سیاسی و پیامدهای آن در اندیشه امام علی(ع)، همایش ملی مدیریت و آموزش، دانشگاه ملایر.
- خلیلی، کرم (۱۳۹۷)، الگوی تعاملی رابطه بین تقوا و اعتماد اجتماعی با تبیین نقش میانجی خودکنترلی و سلامت روان، فصلنامه فرهنگ ایلام، س ۱۹، ش ۵۸ و ۵۹، بهار و تابستان، ص ۱۱۲-۱۱۲.
- دشتی، مجید (۱۳۷۹)، ترجمه نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، قم، نشر مشرقین.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۳۶۹)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق سیدغلامرضا خسروی، تهران، انتشارات مرتضوی.
- رسولی‌محلّاتی، سیدهاشم (۱۳۸۶)، ویژگی‌های پیامبر اعظم (ص) و اخلاق انسانی آن حضرت، فصلنامه اندیشه تقریب، ش ۱۱، تابستان، ص ۵۶-۴۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸)، سرمایه اجتماعی: ابعاد، شاخص‌ها و دیدگاه‌ها، فصلنامه روستا، س ۱، ش ۱، بهار، ص ۵۱-۴۱.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۱)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور.
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۵)، راهکارهای نهادینه‌شدن تقوا در رفتار کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، ش ۶، بهار و تابستان، ص ۱۳۵-۱۱۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۲)، تفسیر المیزان، ج ۷، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی- قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام (ج ۶)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- علینی، محمد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در آموزه های اسلامی، قم، بوستان کتاب.
- فاضلی کبریا، حامد؛ اعتصامی، منصور (۱۳۸۸)، درآمدی بر الگوی مدیریتی امام علی(ع) از منظر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اندیشه مدیریت، س ۳، ش ۲، ص ۱۲۸-۱۰۱.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، الاصول الکافی، بیروت، دارالاضواء.
- کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸)، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی، فصلنامه، راهبرد یاس، ش ۱۷، ص ۱۳۹-۱۲۹.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
- محقق خوانساری، جمال‌الدین (۱۳۶۶)، شرح غررالحکم، ج ۱ و ۶، تهران، دانشگاه تهران.
- مطالعات گروهی (۱۳۸۹)، راهبردهای ارتقای اخلاق سیاسی در رفتار نخبگان سیاسی با ملاحظات امنیت ملی. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدا.
- معصومی‌نیا، غلام‌علی (۱۳۸۹)، اخلاق اقتصادی، اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، س ۷، ش ۲۶، تابستان، ص ۳۸-۲۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، ج ۷ و ۶، تهران، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام خمینی ره، تهران، دفتر حفظ و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
- مهنائی، اکرم (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و وفاداری مشتریان، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، س ۱، ش ۲، پاییز، ص ۹۴-۷۵.
- میرتاج‌الدینی، محمدرضا (۱۳۷۶). اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات.
- نراقی، ملااحمد (۱۳۴۸). معراج‌السعاده، تهران، حوزه علمیه اسلامی.
- نراقی، مهدی (۱۳۷۰). علم اخلاق اسلامی، جامع‌السعادات، ترجمه جلال‌الدین مجتبیوی، حکمت.

انگلیسی

Glass, G. V. (1976). Primary, Secondary and Meta_Analysis. Educational Research, 5.



The Role of Piety in the Positive Dimension of Strengthening National Security within the Framework of Divine Traditions

*Siamak Bagheri Choukami*¹

*Reza Sarmeirad*²

Piety in the conventional literature of defense and political studies is the concept of abandonment. From the Renaissance onwards, the element of piety was generally removed from politics, power, security, and defense. However, after many criticisms of hardware discourses such as realists as the mainstream of power and security, in the last three decades we have seen the emergence of soft discourses, and in this regard, concepts such as identity have opened a special place in power and security. Nevertheless, spiritual issues such as ethics and piety, which have strategic value in the Islamic discourse, are still not considered and research in this field is not yet prominent. Hence, the main question of the present article seeks to answer how piety is effective in strengthening and strengthening the positive dimension of national security? The method of reasoning in this research is deductive and in the theoretical framework of divine traditions and the method of secondary analysis has been used as a complement. The findings of the research indicated that that piety as a central sign of spirituality and faith as a divine social tradition affect the elements of social capital of a political unit and thereby strengthens the foundation of positive security by solving the problem of accountability (efficiency) and citizens' demands . The reverse is also true; That is, the inevitable result of the decline of piety is the decline of social capital, after which the foundations of the positive dimension of national security will collapse.

Keywords

Piety; National Security; National Strength; National Power; Divine Tradition

1. Associate Professor, Department of Political Science, Imam Sadegh (AS) Research Institute, Tehran, Iran
S.bagheri6@gmail.com

2. PhD Student in National Security, Higher National Defense University, Tehran, Iran
mehdi_maleki15@yahoo.com

